

املاي فارسي دهم

گزاردن: انجام دادن. گذاردن: قرار دادن

خواستن: طلبیدن. خاستن: بلند شدن

کتابِ من نه کتابه من!

خانوادگی نه خانواده‌گی

*شهر طوس (درس ۱۰)، شخصیت طوس (درس ۱۲)، شهر توس (درس ۱۸)

ستایش

زهی، فروغ.

درس ۱

غلغله، صدف، صحرا، معرکه، آغوش، قطره، درافتد، حامل، برازندگی، نمط، مبدأ، بحر (دریا)، بهر (برای)،
سهمگین / سهمگین، نعره، زهره، ساحل، ورطه.

حازم، عاجز، از قضا، غزا (جنگ)، صیاد، ذخیرت، غفلت، فرجام، حیلت، دفع، مکاید، تأخیر، صواب (درست)،
ثواب (پاداش)، ثبات، غالب (چیره)، قالب (شکل)، عجز، مدهوش، فراز.

درس ۲

میاسا، مُستغنی، تیمار، مُحال، باطل، ضایع، قِرابت (نزدیکی)، غِرابت (دوری)، طاقت، قبيله، حرمت، مولع، رسته.

درس ۳

قیام، شفق، محراب، نماز گزارده‌ای، حضيض، کاینات، معیار، غبطه، تراز، عزم (عزم تو)، امضا، تناور، تالاب،
گذرگه.

عامل، عمارت (تعمیر)، اِمارت (فرمانروایی)، خوف، حاجت.

درس ۵

رونق، مِحْنَت، أَجَل (مرگ)، خاص و عام، حلق، بقا، غرّش، عوعو سگ، چراغدان، مفتخر، طالع، مسعود، طبع.

درس ۶

حدیث، معاش، بلغزد، هوا (آرزو)، نگسلد، صبا (باد)، سبا (سرزمین)، غبار، راهگذر.

حُقّه، زینهار، سودا

درس ۷

حیات (زندگی)، قصه، فُرْقَت، وُصَلت، مِحْنَت، آفَت، طَرَب، صِدِّیق، زلیخا، سیرت، حبس، لثیمی، عنایت، عداوت.

درس ۸

عاجزی، پلاس، ابوالفتح علی بن احمد، فضل، بصره، غَرَض (هدف)، رُقعه، حاضر، فاضل، نیکومنظر، متواضع، رمضان، اعرابی، قَرْض (بدهی)، فَرَاغ (آسایش)، فِرَاق (جدایی)، عَزَّ و جَلَّ، قَیْم، مَسَلَخ، تازی.

نعره، غوکان، بهایم، تسبیح، غفلت، طاقت، مدهوش.

درس ۹

بغل، قالی، صدق، وَقَب، آخَره، غَارِب، مخمصه، حقیر.

درس ۱۰

حاشیه، تقدیر، مشیّت، تعالی، طریق، تَحَقُّق، تازند، مُسَلِّح، جلیقه، زائران، وسواس، حق الناس، وصیّت نامه، تنظیم، راست و ریس، سَنَّان دار، طَرز، مَحْض، متواضع، طلبه، سوله، آغوش، رُعب، آیینه، حُنین، فتح، غواص، تَوَسَّل، طویل، نسیان، جزر و مد آب خور، مُتَّکی، تلافی، مَعْرکه، می هراسد، اُسوه، تمثیل، ابوالفضل، بولدوزرچی، اُنس، مظهر، غَنَا، قُرْب (نزدیکی) غُرْب (دوری)، عِلْم داران (پرچمداران)، اَلْم (درد).

طوس، استدعا، خانقاه، مُقربان، بر پای خاست.

درس ۱۱

خَصْم، توسن، تیغ

درس ۱۲

نعل، رُهام، طوس (فرمانده سپاه ایران)، ستوه، تهمتَن، عِنان، سلیح، مزیح، سندروس.
ذوالنون، رعیت، سِتده باشد، زجر، مصادره، خزینه، مَضِرَّت.

درس ۱۳

هُجیر، مایه ننگ، قیر، دِرِع، فتراک، بینداخت.

درس ۱۴

بقال، سوداگر، ناطق، حاذق، صدر، فارغ (آسوده)، خواجه، دریغ، میغ، جولقی، قیاس، صاحب دلق، سرگین، آشباہ.
سبیل تَلَطَّف، مُسَلَّم، عربده، سفاهت، تحسین، زیون، غضب.

درس ۱۶

ارتجالاً، اصطلاح، تقریر، نصاب الصبیان، بیضی، زنگاری، ملتفت، برزن، محاوره، خوشمزگی، حریف، غالب (پیروز)، مغلوب (شکست خورده)، مقلوب (واژگون)، مَخْذول، استرحام، برهانیدم، بِسْمِلِ کَرْدَم، همگان، هلیم، طعمه، بدسگال، وقار، طُمأنینه، تصدیق نامه، عتاب، تلاوت، طَرَب، مألوف، ضمایم و تعلیقات، حَلَبی، رهاورد، نصیب، حُجَب، فیاض، مطربی، قبیله، تُشک، عَنود، لهُو و لَعِب، مَعاصی، مُسکر، فروغ، استماع، قریحه، قضا (تقدیر)، غزا (جنگ).

درس ۱۷

خیز، صیاد، بگذار (اجازه بده/ قرار بده)، سقوط، عِنَب.
مزار، شهر توس، جذبه، غرق، قره قوم، تاتار، زائر، فاتح.

درس ۱۸

ناتانائیل، معطوف، ارمغان، هوس، تصاحب، تمایز، نثار.